

نقش فرزندپروری ذهن آگاهانه و سبک دلبستگی مادر در پیش‌بینی اختلالات رفتاری کودکان بیش‌فعال

نیلوفر میکاییلی^۱
نسرتن مهاجری اول^{۲*}
نسرتن عطارد^{۳**}

چکیده

هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان بیش‌فعال بر اساس سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه و سبک دلبستگی مادران آنها بود. جامعه مورد مطالعه تمامی مادران کودکان دبستانی شهر تهران بود که از میان آنها ۶۰ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند با اجرای پرسشنامه کانرز (۱۹۷۰) بر روی کودکان و تشخیص بیش‌فعالی آنان، به عنوان نمونه انتخاب شدند و سپس پرسشنامه‌های سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه (دونکان، ۲۰۰۷) و سبک دلبستگی (وان-اونهاون، ۲۰۰۳) بر روی مادران این کودکان اجرا شد. طرح این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چند متغیره نشان داد که سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه پیش‌بینی کننده منفی و معنی‌دار مشکلات رفتاری اضطراب، افسردگی، انزوا، افسردگی، نادیده گرفتن قواعد، رفتار پرخاشگرانه، مشکلات اجتماعی کودکان بیش‌فعال است ($p < 0/05$). همچنین سبک دلبستگی ایمن والدین به صورت منفی و معنی‌دار پیش‌بینی کننده اختلالات رفتاری کودکان بیش‌فعال است ($p < 0/05$).

کلید واژگان: سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه، سبک دلبستگی، مشکلات رفتاری، بیش‌فعالی.

* دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

** دانشجوی دوره دکتری روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول، ایمیل: nastaranmohajeri@yahoo.com).

*** دانشجوی دوره دکتری روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

مقدمه

کودکان با اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی جمعیت ناهمگونی را تشکیل می‌دهند و از لحاظ میزان نشانه‌های موجود، فراگیر بودن آن نشانه‌ها در موقعیت‌های مختلف و میزان همبودی^۱ اختلال‌های دیگر همچون مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده^۲ و رفتارهای قانون شکنانه^۳ تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهند و رفتار والدین و سبک‌های فرزندپروری نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند (جانستون^۴، ۲۰۱۲). سبک‌های فرزندپروری^۵ روش‌هایی هستند که والدین در برخورد با فرزندان خود اعمال می‌کنند. این سبک‌ها در شکل‌گیری و رشد شخصیتی و رفتاری آنها تاثیر فراوان و عمیقی دارد (مومنی و امیری، ۱۳۸۶). فرزندپروری ذهن آگاهانه^۶، یکی از ابزارهای جدید ذهن آگاهی است و به عنوان روشی برای فرزندپروری تعریف می‌شود که مستلزم توجه ذهن آگاهانه به روابط بین والد و فرزند می‌باشد (دونکان، کوتزورس و گرینبرگ^۷، ۲۰۰۹). سبک فرزندپروری بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عامل مهمی برای تحول و یادگیری کودکان به حساب می‌آید (هالنستین^۸، ۲۰۰۴). فرزند پروری ذهن آگاهانه به عنوان توجه کردن به کودک و شیوه فرزند پروری خود به صورت هدفمند، توجه به زمان حال، و غیر قضاوتی تعریف می‌شود. ذهن آگاهی به والدین اجازه می‌دهد تا آنها به آن صورتی که هستند، درک کنند و به صورت منطقی برخورد کنند نه واکنشی (کابات-زین و کابات-زین^۹، ۱۹۹۷). دونکان (۲۰۰۷)، فرزندپروری ذهن آگاهانه را به عنوان یک سری از مهارت‌های والدین تعریف می‌کند که تلاش می‌کنند آگاهی لحظه به لحظه در مورد روابط بین کودک و والد، را کسب کنند. فرزندپروری ذهن آگاهانه شامل پنج بعد بین فردی است که عبارتند از: با توجه کامل به حرف‌های کودک گوش دادن، همراه با توجه متمرکز و آگاهی از تجربیاتی که در زمان حال اتفاق می‌افتد، نگرش غیر قضاوتی داشتن تا خود و کودک را همان گونه که هست، بپذیرند، و از انتظاراتی (ناخود آگاه) که از رفتار فرزندان دارند، آگاه شوند و به تدریج یاد بگیرند که، پذیرش غیر قضاوتی نسبت به رفتارها و صفات خود و کودکانشان داشته باشند، گسترش دادن آگاهی هیجانی در مورد خود و کودک، اشاره به توانایی والدین برای آگاهی از هیجانات درونی خود و کودکانشان دارد، نظم دادن به روابط در فرزندپروری، اشاره به این دارد که والدین کمتر رفتار واکنشی نسبت به کودکانشان دارند و با شیوه‌های آرام‌تر با کودکانشان برخورد می‌کنند و یک دفعه واکنش نشان نمی‌دهند و ایجاد دلسوزی به خود به عنوان والد و همچنین دلسوزی به کودک. بنابراین، والد ذهن آگاه بودن نیازمند داشتن نگرش دلسوزانه و پذیرشی در فرزندپروری و همچنین حساس و پاسخگو بودن به نیازهای کودک است (بوگلس و رستیفو^{۱۰}، ۲۰۱۴). این سبک فرزند پروری به آگاهی کامل از دنیای درون خود و دنیای درون کودک موقعی که والد با

۱. comorbidity

۲. externalizing behaviors

۳. rule breaking behaviors

۴. Johnston

۵. parenting style

۶. mindful parenting

۷. Duncan, Coatsworth & Greenberg

۸. Hollenstein

۹. Kabat-Zinn, Kabat-Zinn

۱۰. Bogles & Restifo

کودک تعامل می‌کند، اشاره دارد و به همان اندازه به انتخاب شیوه‌های فرزند پروری توسط والدین اشاره دارد که برای والدین ارزشمند و هدفمند است. به کار بردن روش غیرقضاوتی و آگاهی از زمان حال در فرزندپروری و اتخاذ نگرش دلسوزانه به عنوان ویژگی‌های کلیدی فرزند پروری ذهن آگاهانه است که آن را از سایر شیوه‌های فرزند پروری مثبت، متمایز می‌کند (دونکان و همکاران، ۲۰۰۹). سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه باعث می‌شود تا کودکان پر خاشگری کمتری داشته باشند (سینگ، سینگ، لانسینی، سینگ، ویتون و همکاران، ۲۰۱۰) و بتوانند به شکل موثرتری هیجانات خود را کنترل کنند (ون در ویجر-برگسما، فورمزما، دبروین و بوگلس، ۲۰۱۱).

نحوه تربیت و سبک فرزندپروری مادران، یکی از مهم‌ترین عوامل تحول و پایداری مشکلات رفتاری فرزندان محسوب می‌شود (دیاز، ۲۰۰۵). تحقیقات نشان می‌دهد که عوامل خانوادگی نقش مهمی در پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان دارند، یکی از مهم‌ترین عوامل خانوادگی در تحول مشکلات، سبک فرزندپروری است (فریک، ۱۹۹۴). مطالعاتی که در زمینه کودکان پیش‌دبستانی انجام شده است، نشان می‌دهند در خانواده‌هایی که کودکان دچار مشکلات رفتاری هستند، عقاید تربیتی استبدادی (هلر، باکر، هنکر و هینشاو، ۱۹۹۶)، منفی‌گرایی مادرانه بیش از حد و سردی در روابط والد-کودک (کمبل، ۱۹۹۴)، و واکنشی بودن والدین (کویکن، بایفورد، تیلور، واتکینز و هولدن و همکاران، ۲۰۰۸؛ سگال، ویلیامز و تیسدل، ۲۰۰۲) دیده می‌شود و شیوه‌های انضباطی سخت‌گیرانه مادران منجر به افزایش هیجان‌های منفی و اجتماعی بودن پایین کودکان می‌شود (کاتانین، ۱۹۹۷). این کودکان تمایل بیشتری به سرپیچی از قانون دارند (کارای من، هاس، تیوجیل، آکن و دکوویک، ۲۰۰۹). هم‌چنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد که هر چقدر آگاهی والدین به مهارت‌های فرزندپروری ذهن آگاهانه کمتر باشد، به همان میزان افسردگی کودکان بیشتر بوده (ون در اورد، بوگلس و پیجنبورگ، ۲۰۱۱) و میزان اختلالات رفتاری کودکان افزایش می‌یابد (هنسون و مدیوس، ۲۰۰۹)، و در مدرسه دچار مشکلات ارتباطی شده و منزوی‌تر می‌شوند (کنگ، اسموسکی و رابینز، ۲۰۱۱).

از دیگر سو شکست مادر در ایجاد یک ارتباط گرم، حساس و پاسخ‌دهنده (که از سبک دلبستگی مادر ناشی می‌شود) در سال اول زندگی، مشکلات خلقی و رفتاری پایداری در کودک ایجاد می‌کند (فوگل، ۲۰۰۱). هر شکافی در رابطه مادر-کودک ایجاد گردد، می‌تواند تاثیر منفی قاطعی بر تحول

۱. Singh, Singh, Lancioni, Singh, Winton
۲. Van de weijer-bergsma, Formsma, De bruin, Bogles
۳. Diaz
۴. Frick
۵. Heller, Baker, Henker, Hinshaw
۶. Campbell
۷. Kuyken, Byford, Taylor, Watkins, Holden
۸. Segal, Williams, Teasdale
۹. Katanin
۱۰. Karreman, Hass, Tuijl, Aken, Dekovic
۱۱. Van der oord, Peijnenburg
۱۲. Hanson & Medius
۱۳. Keng, Smoski, Robins
۱۴. attachment style
۱۵. Fogel

شخصیت کودک داشته باشد و در آینده به اختلالات کم و بیش وخیم مرضی منجر گردد (منصور، دادستان، ۱۳۸۱). به طوری که دلبستگی ناایمن مادر باعث بروز علایم افسردگی در کودکان می شود (بهادری، جهانبخش، امیری و انیسی، ۱۳۹۱). سه فرض اساسی در مورد سبک دلبستگی و رفتاری مادران و تاثیر آن بر کودک مطرح است: دلبستگی ایمن^۱ به کیفیت ارتباط کودک-والدین مربوط می شود. مادران کودکان ایمن^۲ (دوسوگرا، اجتنابی^۳) با رفتارهای تربیتی خشن، تنبیه گری و مستبدانه والدین مرتبط است. این سبک تربیتی تا سه برابر ناایمنی کودک را افزایش می دهد و خطر اختلالات روانی به ویژه اختلالات درونی سازی را افزایش می دهد، کودکان دلبسته دوسوگرا و آشفته^۴، به هنگام روبرو شدن با موقعیت های متعارض، سطوح بالاتری از افسردگی و رفتارهای مخرب را نشان می دهند (ترو، پیسانی و لجومار^۵، ۲۰۰۱). حساسیت و پاسخ دهی مادر از جمله عوامل اصلی دلبستگی ایمن هستند، ولی هنگامی که دلبستگی ناایمن است، نوعی احساس عدم اطمینان (دوری گزینی، اضطراب و تردید) در کودک پدید می آید (سادوک و سادوک^۶، ۲۰۰۷). پژوهش های بسیاری نشان داده است که هر الگویی از دلبستگی مجموعه ویژگی های رفتاری خاص را در افراد برمی انگیزد و روابط نزدیک و تجارب هیجانی آن ها را تحت تاثیر قرار می دهد و مبنای تعاملات و چارچوب فکری و عاطفی آنان را در نوجوانی و دوران بزرگسالی شکل می دهد (مردیث، اونزورث و استرنک^۷، ۲۰۰۸). مشکلات دلبستگی در قالب مسائل عاطفی و رفتاری کودک ناایمن، باعث ایجاد پرخاشگری می شود (خانجانی، هاشمی، الهام فر، ۱۳۹۰؛ اله جگر دی، سرایان و اصغری پور^۸، ۲۰۱۵). سبک دلبستگی والدین بر کنترل هیجانی کودکان نیز موثر است، کودکان اجتنابی و دوسوگرا و آشفته به صورت معنی داری دچار مشکلات هیجانی و رفتاری گسترده ای هستند (آدام، گونار و تاناگا^۹، ۲۰۰۴). امروزه شواهد متقاعد کننده ای وجود دارد که دلبستگی ایمن بر پایه مراقبت حساس و پاسخگر والدین می باشد (جرج و سولومون^{۱۰}، ۱۹۹۹؛ جونز، کسیدی و شاور^{۱۱}، ۲۰۱۵)، ولی ارتباط آن با فرزندپروری ذهن آگاهانه هنوز بررسی نشده است.

سبک های فرزندپروری و سبک های دلبستگی والدین می تواند تاثیرات مهمی بر ایجاد یا رفع مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان داشته باشد. مشکلات رفتاری و هیجانی که بیشترین شکل آسیب شناسی روانی کودک را تشکیل می دهد، و به شرایطی اطلاق می شود که در آن پاسخ های هیجانی و رفتاری کودک بر عملکرد تحصیلی، مراقبت از خود، روابط اجتماعی، سازگاری فردی، رفتار در کلاس و سازگاری در محیط وی تاثیر منفی می گذارد (غباری و حجازی، ۱۳۸۶). برخی از پژوهشگران مشکلات رفتاری را به دو

۱. secure attachment
۲. insecure attachment
۳. ambivalent, avoidance
۴. disorganized
۵. True, Pisani, Ljoumar
۶. Sadock & Sadock
۷. Meredith, Ownsworth, strong
۸. Alajgerdi, Sarabian, Asgharipour
۹. Adam, Gunnar, Tanaka
۱۰. George & Solomon
۱۱. Jones, Cassidy & Shaver

دسته بزرگ مشکلات رفتاری درونی سازی شده^۱ و مشکلات رفتاری برونی سازی شده تقسیم کرده اند. مشکلات برونی سازی شده، رفتارهای ناسازگاری هستند که مشکلاتی را برای دیگران ایجاد می کنند (مثل پرخاشگری) و مشکلات درونی سازی شده با رفتارهای بیش از حد کنترل شده رابطه دارند (مثل اضطراب، افسردگی) (ماش و بار کلایز^۲، ۲۰۰۸). در این تحقیق هر دو دسته مشکلات درونی سازی شده و برونی سازی شده بررسی شده است. مطالعات نشان داده اند، مادرانی که خود کارآمدی والدینی پایین و سبک فرزندپروری منفی دارند، فرزندان شان دارای اختلالات خواب (ساده، تیکوزکی و اسچر^۳، ۲۰۱۰)، مشکلات رفتاری و ناسازگاری (ویور، شاو، دیشون و ویلسون^۴، ۲۰۰۸) و مشکلات برونی سازی (سونگ، هیسکوک، سیراس و افرون^۵، ۲۰۰۸) بیشتری دارند.

تا کنون تحقیقات زیادی در مورد تاثیرات سبک های فرزندپروری سهل گیر، مستبد، مقتدر در ایران انجام شده است ولی در مورد سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه تحقیقی صورت نگرفته است. همچنین تحقیقات جامعی در زمینه سبک دلبستگی مادر بر اختلالات رفتاری کودک انجام نشده است. لذا با توجه به اهمیت مقوله دلبستگی و مشکلات زیادی که از عدم تشکیل ارتباط مناسب بین مادر و کودک بوجود می آید، نیاز به تحقیق در این زمینه وجود دارد. با توجه به مطالب ارائه شده، هدف این پژوهش تعیین سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه (گوش دادن با توجه کامل، دلسوزی به کودک، پذیرش غیرقضاوتی، بدون واکنش هیجانی، آگاهی هیجانی از کودک، آگاهی هیجانی از خود) و سبک دلبستگی مادر (ایمن، ترسو، بی اعتنا، نگران) بر اختلالات رفتاری کودکان شهر تهران است.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه گیری: پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل تمامی مادران کودکان دوره دبستان شهر تهران بود که نمونه ای به حجم ۶۰ نفر از این مادران به شیوه هدفمند، از طریق روش برآورد حجم نمونه در مطالعات معطوف به تصمیم توسط نرم افزار پس^۶ انتخاب شدند. بدین صورت که برای انتخاب نمونه مادران، کودکان دوره دبستانی با دامنه سنی بین ۶ تا ۱۱ که به مطب روانشناسی مراجعه می کردند، با استفاده از تست کانرز (۱۹۷۰) تشخیص بیش فعالی دریافت می کردند، وارد گروه نمونه می شدند. پس از شناسایی کودکان بیش فعال، پرسشنامه های سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه (دونکان، ۲۰۰۷) و سبک های دلبستگی (وان اونهاون، ۲۰۰۳) بر روی مادران کودکان بیش فعال انجام شد. سرانجام ۶۰ نفر از مادران کودکان بیش فعال، پرسش نامه ها را به صورت کامل تکمیل نموده و بازگشت دادند و به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند.

روش اجرا

در ابتدا از کودکانی که برای درمان به مطب روانشناسی و نوروفیدبک تهران مراجعه کرده بودند، تست

۱. internalizing behaviors
۲. Mash & Barclays
۳. Sadeh, Tokotzky & Scher
۴. Weaver, Shaw, Dishion, Wilson
۵. Sung, Hiscock & Sciberas, Efron
۶. Pass

کانرز گرفته شد و به صورت هدفمند هر کودکی که در دامنه سنی ۶ تا ۱۱ سال قرار داشت و در تست نمره قابل قبول برای تشخیص بیش‌فعالی دریافت کرده بود، انتخاب شد. در مرحله بعد، مادران این کودکان پرسشنامه‌های فرزندپروری ذهن آگاهانه و سبک دلبستگی را پر کردند. برخی پرسشنامه‌ها بخاطر ناقص بودن کنار گذاشته شد و مادرانی که به صورت کامل پرسشنامه‌ها را پر کرده بودند در نهایت داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS و با روش رگرسیون چند متغیری تحلیل شدند. تعداد افراد نمونه با استفاده از نرم‌افزار پس انجام شد و ۶۰ نفر به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند.

ابزار سنجش

الف) پرسشنامه کانرز والدین: این پرسشنامه توسط کانرز در سال ۱۹۷۰ طراحی شد و ابزاری مناسب غربالگری است. هم‌چنین به عنوان معیاری جهت بررسی شدت علائم مبتلایان به اختلال کم‌توجهی- بیش‌فعالی پذیرفته شده است (هالیدی، روزنتال، نایلور و کالاولی، ۱۹۷۶). این پرسشنامه ۸ عامل بی‌توجهی، مشکلات یادگیری، پرخاشگری، اختلال سلوک، تکانشگری، بیش‌فعالی، مسائل روان‌تنی و مشکلات اضطرابی را در کودکان ۴ تا ۱۸ سال مورد سنجش قرار می‌دهد. مقیاس کانرز دارای ۴۸ گویه است که به وسیله والدین تکمیل می‌شود. این پرسشنامه بر اساس مقیاس ۴ گزینه‌ای درجه‌بندی لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. صفر = هرگز، ۲ = به ندرت و ۳ = اغلب اوقات، ۴ = تقریباً همیشه می‌باشد. اعتبار این مقیاس برای نمونه ایرانی با استفاده از تحلیل عوامل با مولفه‌های اصلی و چرخش واریماکس به منظور پی بردن به ساختارهای زیربنایی آزمون توسط شهائیان، شهیم، بشاش و یوسفی (۱۳۸۶) هنجاریابی شده و ۴ عامل مشکلات سلوک، مشکلات اجتماعی، اضطراب-خجالتی و روان-تنی به دست آمده است. در این مقیاس، نمرات گروه‌های سنی ۶ تا ۸ سال و ۱۱ ماه و ۹ تا ۱۱ سال و ۱۱ ماه تفاوت معنی‌داری نداشت. ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۵۸، برای نمره کل و ۰/۴۱ برای زیر مقیاس مشکلات اجتماعی تا ۰/۷۶ برای مشکلات سلوک متغیر بود. ضرایب آلفای کرونباخ برای نمره کل، معادل ۰/۷۳ و از ۰/۵۷ (زیر مقیاس مشکلات اجتماعی) تا ۰/۸۶ (زیر مقیاس اضطراب-خجالتی) برای زیر مقیاس‌ها متغیر بود (نقل از شهائیان، شهیم، بشاش و یوسفی، ۱۳۸۶). در تحقیق حاضر پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۳ محاسبه شد.

ب) پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری ذهن آگاهانه: نسخه پرتغالی پرسشنامه فرزندپروری ذهن آگاهانه بین‌فردی (دونکان، ۲۰۰۷؛ موریرا و کاناوارو، ۲۰۱۵)، برای ارزیابی فرزندپروری ذهن آگاهانه به کار می‌رود. این پرسشنامه خودسنجی، شامل ۳۱ آیتم می‌باشد، که در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (هرگز درست نیست) تا ۵ (همیشه درست است) را شامل می‌شود. نمره کلی از میانگین تمام نمرات بدست می‌آید و به عنوان شاخص کلی برای فرزندپروری ذهن آگاهانه است. پرسشنامه IM-P^۵ پایایی و اعتبار سازه برای نمونه‌های آمریکایی و نمونه‌های تحقیق داچ^۶ (۲۰۰۷) نشان داده است (نقل از دبروین، زیجلسترا، گورتزن،

۱. Connors questionnaire

۲. Halliday, Rosenthal, Naylor, Callaway

۳. interpersonal mindful parenting style questionnaire

۴. Moreira & Canavarro

۵. interpersonal mindfulness in parenting

۶. Dutch

زوندت و همکاران^۱، ۲۰۱۴؛ دونکان، ۲۰۰۷). نسخه پرتقالی این پرسشنامه هم‌چنین، شواهدی از ویژگی‌های روان‌سنجی خوب، که شامل پایایی و اعتبار سازه است را نشان می‌دهد (موریرا و کاونارو، ۲۰۱۵). نمرات بالاتر منعکس‌کننده مهارت‌های فرزندپروری ذهن آگاهانه بیشتر است، که شامل توجه و آگاهی بیشتر از خود و کودک، خود‌نظم‌دهی بیشتر، پذیرش غیر قضاوتی خود و کودک، و دلسوزی بیشتر به خود و کودک است. این پرسشنامه توسط بشرپور، مهاجری اول و عنبری (۱۳۹۵) به فارسی برگردانده شده است. روایی محتوایی نشان داد که در این پرسشنامه گویه‌ها معتبر هستند. روایی سازه (تحلیل عاملی) نشان داد که پرسشنامه IM-P، ۷ عامل مقدار ویژه‌ای بالاتر از یک دارند و این عوامل با هم ۸۱ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. اعتبار ملاک پرسشنامه IM-P با پرسشنامه سبک‌های دلبستگی ۰/۵۲ بدست آمد و نشان داد که سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه با سبک دلبستگی ایمن بیشترین همبستگی را دارد و معنادار است. برای محاسبه پایایی، آلفای کرونباخ کلی همه‌ی سوالات پرسشنامه IM-P، ۰/۹۰۱ می‌باشد و آلفای کرونباخ دو نیمه آزمون ۰/۸۰۲ می‌باشد (بشرپور، مهاجری اول و عنبری، ۱۳۹۵). در تحقیق حاضر پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۰ محاسبه شد.

ج) پرسشنامه سبک‌های دلبستگی: پرسشنامه سبک‌های دلبستگی توسط وان اونهاون^۲ و همکاران در سال ۲۰۰۳ ساخته شده و حاوی ۲۱ آیتم است. این پرسشنامه از چهار خرده‌مقیاس سبک دلبستگی ایمن (۷ آیتم)، سبک دلبستگی ترسو (۴ آیتم)، سبک دلبستگی اعتنا (۵ آیتم) و سبک دلبستگی نگران (۵ آیتم) تشکیل شده است. سوالات این پرسشنامه در مقیاس لیکرت ۵ نقطه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) پاسخ داده می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه برای مقیاس ایمن (۰/۷۴)، مقیاس ترسو (۰/۶۸)، مقیاس بی‌اعتنا (۰/۵۵) و برای مقیاس نگران ۰/۸۰ گزارش شده است (وان اونهاون و همکاران، ۲۰۰۳؛ به نقل از بشرپور، ۱۳۹۴). در تحقیق حاضر، پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ، ۰/۷۱ محاسبه شد.

د) پرسشنامه اختلالات رفتاری آشنباخ (CBCL): این پرسشنامه توسط آشنباخ در سال ۲۰۰۱ ساخته شده و برای سنجش مشکلات رفتاری کودکان ۶ تا ۱۸ سال بکار می‌رود و شامل مجموعه‌ای از سوالات برای سنجش صلاحیت، کنش‌وری سازشی و مشکلات عاطفی-رفتاری است. این ابزار مشکلات کودکان و نوجوانان را در ۸ عامل اضطراب/افسردگی، انزو/افسردگی، شکایت‌های جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، نادیده گرفتن قواعد و رفتار پرخاشگرانه ارزیابی می‌کند. دو عامل نادیده گرفتن قواعد و رفتار پرخاشگرانه عوامل مرتبه دوم مشکلات برون‌سازی شده را تشکیل می‌دهند. فرم‌های مرتبط با آزمودنی‌ها توسط والدین، جانشین‌های والدین یا نوجوانان و معلمان تکمیل می‌گردد (دادستان، احمدی، پوراعتقاد، ۱۳۸۵). در پژوهش مینایی (۱۳۸۵) همسانی درونی در مورد مقیاس مربوط به صلاحیت برابر ۰/۷۰ و در مورد مقیاس‌های بخش دوم رضایت بخش بوده است. اعتبار ملاک پرسشنامه بوسیله تحلیل رگرسیون مورد حمایت قرار گرفته است. ملاک‌های DSM^۵، پژوهش‌های فرهنگی، یافته‌های ژنتیک، زیست‌شیمیایی و نتایج بلند مدت، اعتبار سازه این نظام را تایید کرده‌اند. پایایی آزمون-باز

۱. De bruin, Zijlstra, Geurtzen, Zundert

۲. Attachment style questionnaire

۳. Van odenhaven

۴. Achenbach child behavior checklist (CBCL)

۵. Diagnostic and statistical manual of mental disorders

آزمون بین مصاحبه گران بین ۰/۹۳ تا ۱ بدست آمده و ثبات درونی مقیاس برابر با آلفای ۰/۶۳ تا ۰/۷۹ می باشد (دادستان، احمدی، پورا اعتماد، ۱۳۸۵). در تحقیق حاضر، پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ، ۰/۶۸ محاسبه شد.

یافته‌ها

نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان با توجه به سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه و سبک دلبستگی والدین به شرح زیر می‌باشد: جدول یک نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان با توجه به سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه (گوش دادن با توجه کامل، دلسوزی به کودک، پذیرش غیرقضاوتی، بدون واکنش هیجانی، آگاهی هیجانی از کودک، آگاهی هیجانی از خود) را نشان می‌دهد.

فرضیه اول: بین سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه مادران و میزان مشکلات رفتاری کودکان بیش فعال آنان رابطه وجود دارد.

جدول ۱. نتایج رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان با توجه به سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه

شاخص ها متغیر ملاک	متغیر پیش بین	F	R ^۲	B	Beta	T
اضطراب/افسردگی	گوش دادن با توجه کامل			-۰/۰۷	-۰/۱۷	۱/۳۳*
	دلسوزی به کودک			-۰/۰۳	-۰/۱۱	۰/۵۴
	پذیرش غیرقضاوتی	۷/۵۶*	۰/۲۱	-۰/۱۶	-۰/۳۴	۴/۵۸**
	بدون واکنش هیجانی			-۰/۱۹	-۰/۳۷	۳/۳۹**
	آگاهی هیجانی از کودک			-۰/۱۵	-۰/۲۰	۱/۳۱*
	آگاهی هیجانی از خود			-۰/۰۴	-۰/۱۰	۰/۶۸
انزوا/افسردگی	گوش دادن با توجه کامل			-۰/۱۶	-۰/۳۷	۲/۲۸**
	دلسوزی به کودک			-۰/۰۴	-۰/۱۰	۰/۷۱
	پذیرش غیرقضاوتی	۶/۸۴*	۰/۱۸	-۰/۱۰	-۰/۴۱	۴/۵۲**
	بدون واکنش هیجانی			-۰/۱۵	-۰/۴۳	۳/۲۷**
	آگاهی هیجانی از کودک			-۰/۱۴	-۰/۳۹	۱/۷۸*
	آگاهی هیجانی از خود			-۰/۰۸	-۰/۱۸	۰/۹۴
نادیده گرفتن قواعد	گوش دادن با توجه کامل			-۰/۱۸	-۰/۴۸	۵/۴۸**
	دلسوزی به کودک			-۰/۱۴	-۰/۳۸	۴/۲۱**
	پذیرش غیرقضاوتی	۱۸/۷۲**	۰/۳۹	-۰/۱۵	-۰/۳۱	۳/۲۹**
	بدون واکنش هیجانی			-۰/۱۹	-۰/۲۹	۲/۵۱*
	آگاهی هیجانی از کودک			-۰/۰۸	-۰/۱۱	۱/۲۴*
	آگاهی هیجانی از خود			-۰/۱۰	-۰/۱۸	۱/۱۸*

رفتار پرخاشگرانه		مشکلات اجتماعی	
گوش دادن با توجه کامل	-۰/۱۴	-۰/۳۱	۲/۹۰*
دلسوزی به کودک	-۰/۱۹	-۰/۴۴	۳/۳۷**
پذیرش غیرقضاوتی	-۰/۲۲	-۰/۵۱	۵/۶۱**
بدون واکنش هیجانی	۰/۴۵	-۰/۴۷	۴/۷۳**
آگاهی هیجانی از کودک	-۰/۲۱	-۰/۴۸	۴/۳۴**
آگاهی هیجانی از خود	-۰/۱۸	-۰/۳۴	۲/۲۸*
<hr/>			
گوش دادن با توجه کامل	-۰/۰۳	-۰/۱۰	۰/۶۴
دلسوزی به کودک	-۰/۰۷	-۰/۱۲	۱/۰۱
پذیرش غیرقضاوتی	-۰/۱۳	-۰/۲۴	۳/۱۴**
بدون واکنش هیجانی	۰/۱۴	-۰/۱۳	۱/۲۱*
آگاهی هیجانی از کودک	-۰/۰۷	-۰/۱۱	۰/۵۱
آگاهی هیجانی از خود	-۰/۰۱	-۰/۰۶	۰/۴۱

$p < 0.01$ * $p < 0.05$ **

جدول ۱ نشان می‌دهد که زیر مقیاس گوش دادن با توجه کامل ($Beta = -0.17, t = 1.33, p < 0.05$) و پذیرش غیرقضاوتی ($Beta = -0.34, t = 4.58, p < 0.01$) و زیر مقیاس بدون واکنش هیجانی ($p < 0.01$) منفی و معنی‌دار مشکل رفتاری اضطراب/افسردگی را پیش‌بینی می‌کنند ($Beta = -0.20, t = 1.31, p < 0.05$) به صورت این متغیرها در مجموع ۲۱ درصد از وایانس نمره‌های مشکل رفتاری اضطراب/افسردگی را تبیین می‌کنند. زیر مقیاس‌های دلسوزی به کودک و آگاهی هیجانی از خود رابطه معنی‌داری با مشکل رفتاری اضطراب/افسردگی نشان ندادند. مقایسه ضرایب بتا نشان داد مهم‌ترین عامل پیش‌بینی کننده مشکل رفتاری اضطراب/افسردگی، زیر مقیاس بدون واکنش هیجانی است.

هم‌چنین زیر مقیاس گوش دادن با توجه کامل ($Beta = -0.37, t = 2.28, p < 0.01$) و پذیرش غیرقضاوتی ($Beta = -0.41, t = 4.52, p < 0.01$) و زیر مقیاس بدون واکنش هیجانی ($t = 3.27, p < 0.01$) و آگاهی هیجانی از کودک ($Beta = -0.43, t = 1.78, p < 0.05$) به صورت منفی و معنی‌دار مشکل رفتاری انزوا/افسردگی را پیش‌بینی می‌کنند ($R^2 = 0.18, F = 6.84, p < 0.05$). این متغیرها در مجموع ۱۸ درصد از وایانس نمره‌های مشکل رفتاری انزوا/افسردگی را تبیین می‌کنند. زیر مقیاس‌های دلسوزی به کودک و آگاهی هیجانی از خود رابطه معنی‌داری با مشکل رفتاری انزوا/افسردگی نشان ندادند. مقایسه ضرایب بتا نشان داد مهم‌ترین عامل پیش‌بینی کننده مشکل رفتاری انزوا/افسردگی، زیر مقیاس بدون واکنش هیجانی است.

در مورد پیش‌بینی اختلالات رفتاری از روی سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه، جدول ۱ نشان داد که زیر مقیاس گوش دادن با توجه کامل ($Beta = -0.48, t = 5.48, p < 0.01$)، زیر مقیاس دلسوزی به کودک ($Beta = -0.38, t = 4.21, p < 0.01$)، پذیرش غیرقضاوتی ($Beta = -0.31, t = 3.29, p < 0.01$) و زیر مقیاس بدون واکنش هیجانی ($Beta = -0.29, t = 2.51, p < 0.05$)، آگاهی هیجانی از کودک ($Beta = -0.11, t = 1.24, p < 0.05$) و آگاهی هیجانی از خود ($Beta = -0.18, t = 1.18, p < 0.05$) به صورت منفی و معنی‌دار مشکل رفتاری نادیده گرفتن قواعد را پیش‌بینی می‌کنند ($F = 18.72, p < 0.01$).

$(R^2=0/39)$. این متغیرها در مجموع ۳۹ درصد از وایانس نمره‌های مشکل رفتاری نادیده گرفتن قواعد را تبیین می‌کنند. مقایسه ضرایب بتا نشان داد مهم‌ترین عامل پیش‌بینی کننده مشکل رفتاری نادیده گرفتن قواعد، زیر مقیاس گوش دادن با توجه کامل است.

هم‌چنین زیر مقیاس گوش دادن با توجه کامل ($Beta=-0/31, t=2/90, p<0/05$)، زیر مقیاس دلسوزی به کودک ($Beta=-0/44, t=3/37, p<0/01$)، پذیرش غیر قضاوتی ($Beta=-0/51, t=5/61, p<0/01$) و زیر مقیاس بدون واکنش هیجانی ($Beta=-0/47, t=4/73, p<0/01$)، آگاهی هیجانی از کودک ($Beta=-0/48, t=4/34, p<0/01$) و آگاهی هیجانی از خود ($Beta=-0/34, t=2/28, p<0/05$) به صورت منفی و معنی‌دار مشکل رفتار پر خاشگروانه را پیش‌بینی می‌کنند ($R^2=0/45, F=21/01, p<0/01$). این متغیرها در مجموع ۴۵ درصد از وایانس نمره‌های مشکل رفتار پر خاشگروانه را تبیین می‌کنند. مقایسه ضرایب بتا نشان داد مهم‌ترین عامل پیش‌بینی کننده مشکل رفتار پر خاشگروانه، زیر مقیاس پذیرش غیر قضاوتی است.

هم‌چنین زیر مقیاس پذیرش غیر قضاوتی ($Beta=-0/24, t=3/14, p<0/01$) و زیر مقیاس بدون واکنش هیجانی ($Beta=-0/13, t=1/21, p<0/05$)، به صورت منفی و معنی‌دار مشکلات رفتاری اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند ($R^2=0/14, F=4/24, p<0/01$). این متغیرها در مجموع ۱۴ درصد از وایانس نمره‌های مشکلات رفتاری اجتماعی را تبیین می‌کنند. مقایسه ضرایب بتا نشان داد مهم‌ترین عامل پیش‌بینی کننده مشکل رفتاری اجتماعی، زیر مقیاس پذیرش غیر قضاوتی است.

جدول دو نتایج رگرسیون هم‌زمان برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان با توجه به سبک‌های دلبستگی (ایمن، ترسو، بی‌اعتنا و نگران) را نشان می‌دهد.

فرضیه دوم: بین سبک دلبستگی مادران و مشکلات رفتاری کودکان بیش‌فعال آنان رابطه وجود دارد.

جدول ۲. نتایج رگرسیون هم‌زمان برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان با توجه به سبک‌های دلبستگی

متغیر ملاک	شاخص‌ها	متغیر پیش‌بین	F	R ²	B	Beta	T
اضطراب/افسردگی		ایمن	۴/۲۶*	۰/۱۲	-۰/۲۱	-۰/۳۴	۷/۰۱**
		ترسو			۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۱۰
		بی‌اعتنا			۰/۱۷	۰/۲۴	۵/۲۸**
		نگران			۰/۰۳	۰/۰۱	۱/۰۱
انزوا/افسردگی		ایمن	۷/۴۱*	۰/۱۹	-۰/۱۸	-۰/۳۷	۸/۱۱**
		ترسو			۰/۱۱	۰/۲۴	۶/۴۲**
		بی‌اعتنا			۰/۱۲	۰/۲۸	۵/۰۲**
		نگران			۰/۰۵	۰/۱۰	۱/۲۱
نادیده گرفتن قواعد		ایمن	۱۹/۹۴**	۰/۳۴	-۰/۲۲	-۰/۴۱	۹/۵۴**
		ترسو			۰/۰۴	۰/۰۹	۰/۴۹
		بی‌اعتنا			۰/۱۶	۰/۳۱	۷/۰۴**
		نگران			۰/۱۴	۰/۳۰	۷/۷۱**

۷/۶۱**	-۰/۳۹	-۰/۲۰			ایمن	
۱/۲۰	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۲۸	۱۳/۲۷**	ترسو	رفتار پرخاشگرانه
۹/۰۸**	۰/۳۲	۰/۱۳			بی‌اعتنا	
۸/۵۱**	۰/۲۸	۰/۱۶			نگران	
۱۱/۴۱**	-۰/۴۴	۰/۲۴			ایمن	
۹/۲۲**	۰/۲۷	۰/۱۲	۰/۱۰	۵/۲۰*	ترسو	مشکلات اجتماعی
۰/۵۱	۰/۰۰	۰/۰۱			بی‌اعتنا	
۱/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۲			نگران	

نتایج جدول ۲ نشان داد که سبک دلبستگی ایمن ($\beta = -0.34, t = 7.01, p < 0.01$) به صورت منفی و معنی‌دار و سبک دلبستگی بی‌اعتنا ($\beta = 0.24, t = 5.28, p < 0.01$) به صورت مثبت و معنی‌دار مشکل رفتاری اضطراب/افسردگی را پیش‌بینی می‌کنند ($R^2 = 0.12, F = 4.26, p < 0.05$). این متغیرها در مجموع ۱۲ درصد از وایانس نمره‌های مشکل رفتاری اضطراب/افسردگی را تبیین می‌کنند. سبک‌های دلبستگی ترسو و نگران رابطه معنی‌داری با مشکل رفتاری اضطراب/افسردگی نشان ندادند. مقایسه ضرایب بتا نشان داد مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده مشکل رفتاری اضطراب/افسردگی، سبک دلبستگی ایمن به صورت منفی است.

هم‌چنین سبک دلبستگی ایمن ($\beta = -0.37, t = 8.11, p < 0.01$) به صورت منفی و معنی‌دار و سبک دلبستگی ترسو ($\beta = 0.24, t = 6.42, p < 0.01$)، سبک دلبستگی بی‌اعتنا ($\beta = 0.2, t = 5.02, p < 0.01$)، به صورت مثبت و معنی‌دار مشکل رفتاری انزوا/افسردگی را پیش‌بینی می‌کنند ($R^2 = 0.19, F = 7.41, p < 0.05$). این متغیرها در مجموع ۱۹ درصد از وایانس نمره‌های مشکل رفتاری انزوا/افسردگی را تبیین می‌کنند. سبک دلبستگی نگران رابطه معنی‌داری با مشکل رفتاری انزوا/افسردگی نشان نداد. مقایسه ضرایب بتا نشان داد مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده مشکل رفتاری انزوا/افسردگی، سبک دلبستگی ایمن به صورت منفی است.

هم‌چنین سبک دلبستگی ایمن ($\beta = -0.41, t = 9.54, p < 0.01$) به صورت منفی و معنی‌دار و سبک دلبستگی بی‌اعتنا ($\beta = 0.31, t = 7.04, p < 0.01$)، سبک دلبستگی نگران ($\beta = 0.30, t = 7.71, p < 0.01$) به صورت مثبت و معنی‌دار مشکل رفتاری نادیده گرفتن قواعد را پیش‌بینی می‌کنند ($R^2 = 0.34, F = 19.94, p < 0.01$). این متغیرها در مجموع ۳۴ درصد از وایانس نمره‌های مشکل رفتاری نادیده گرفتن قواعد را تبیین می‌کنند. سبک دلبستگی ترسو رابطه معنی‌داری با مشکل رفتاری نادیده گرفتن قواعد نشان نداد. مقایسه ضرایب بتا نشان داد مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده مشکل رفتاری نادیده گرفتن قواعد، سبک دلبستگی ایمن به صورت منفی است.

هم‌چنین سبک دلبستگی ایمن ($\beta = -0.39, t = 7.61, p < 0.01$) به صورت منفی و معنی‌دار و سبک دلبستگی بی‌اعتنا ($\beta = 0.32, t = 9.08, p < 0.01$)، سبک دلبستگی نگران ($\beta = 0.32, t = 8.51, p < 0.01$) به صورت مثبت و معنی‌دار مشکل رفتاری رفتار پرخاشگرانه را پیش‌بینی می‌کنند ($R^2 = 0.28, F = 13.27, p < 0.01$). این متغیرها در مجموع ۲۸ درصد از وایانس نمره‌های مشکل رفتاری رفتار

پرخاشگرانه را تبیین می کنند. سبک دلبستگی ترسو رابطه معنی داری با مشکل رفتاری رفتار پرخاشگرانه نشان نداد. مقایسه ضرایب بتا نشان داد مهم ترین عامل پیش بینی کننده مشکل رفتار پرخاشگرانه، سبک دلبستگی ایمن به صورت منفی است.

هم چنین سبک دلبستگی ایمن ($\beta = -0/44, t = 11/41, p < 0/01$) به صورت منفی و معنی دار و سبک دلبستگی ترسو ($\beta = 0/27, t = 9/22, p < 0/01$) به صورت مثبت و معنی دار مشکلات اجتماعی را پیش بینی می کنند ($R^2 = 0/10, F = 5/20$). این متغیرها در مجموع ۱۰ درصد از واریانس نمره های مشکلات اجتماعی را تبیین می کنند. سبک دلبستگی بی اعتنا و نگران رابطه معنی داری با مشکلات اجتماعی نشان ندادند. مقایسه ضرایب بتا نشان داد مهم ترین عامل پیش بینی کننده مشکلات اجتماعی، سبک دلبستگی ایمن به صورت منفی است.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول: بین سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه مادران و میزان مشکلات رفتاری کودکان بیش فعال آنان رابطه وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که طبق فرضیه اول بین سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه مادر و مشکلات رفتاری کودکان بیش فعال آنان رابطه منفی و معنی دار وجود دارد و فرضیه اول تایید شد. در این پژوهش، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که زیر مقیاس های سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه به صورت منفی و معنی دار با مشکلات اضطراب/افسردگی، انزوا/افسردگی کودکان بیش فعال ارتباط دارد. نتایج یافته حاضر با تحقیقات کویکن (۲۰۰۸)، سگال (۲۰۰۲) و تحقیقات ون در اورد (۲۰۱۱)، (هنسون و مدیوس، ۲۰۰۹؛ کنگ، ۲۰۱۱)، همسو می باشد. فرزندپروری ذهن آگاهانه به والدین این فرصت را می دهد که کودکانشان را بهتر درک کنند و کنش های آگاهانه تر و محترمانه ای نسبت به فرزندان خود داشته باشند و کمتر واکنشی عمل کنند و همین مسئله باعث می شود تا کودکانشان کمتر اضطراب و افسردگی را تجربه کنند (کابات دین و کابات دین، ۱۹۹۷).

همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که زیر مقیاس های سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه به صورت منفی و معنی دار با رفتار پرخاشگرانه کودکان بیش فعال ارتباط دارد. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات بوگلس (۲۰۱۰) که به بررسی تاثیرات مثبت فرزندپروری ذهن آگاهانه والدینی که کودکان خردسال و نوجوانی با مشکلات رفتاری، اختلال سلوک، اختلال بیش فعالی، پرخاشگری و اضطراب دارند، همسو است. این پژوهش ها نشان می دهد که سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه موجب می شود تا مشکلات درونی سازی شده و برونی سازی شده کودکان کاهش یابد و رفتارهای پرخاشگرانه نیز کم شود (بوگلس، ۲۰۱۰؛ سینگ، ۲۰۱۰؛ ون در اورد، ۲۰۱۱؛ ون در ویجر-برگما و همکاران، ۲۰۱۱).

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که زیر مقیاس های سبک فرزندپروری ذهن آگاهانه به صورت منفی و معنی دار با نادیده گرفتن قواعد و مشکلات رفتاری-اجتماعی کودکان بیش فعال ارتباط دارد. نتایج مطالعات کارری من و همکاران (۲۰۰۹) نیز نشان دادند که کنترل زیاد از سوی والدین و شیوه فرزندپروری مستبدانه باعث می شود که کودکان کمتر از والدین پیروی کنند و دراز مدت دچار مشکلات رفتاری-اجتماعی شوند که نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش حاضر همسو می باشد.

همچنین در این پژوهش، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک دلبستگی ایمن به صورت منفی و معنی دار با مشکلات اضطراب/افسردگی کودکان بیش فعال ارتباط دارد و سبک‌های دلبستگی ترسو، بی‌اعتنا و نگران به صورت مثبت و معنی دار با اختلالات رفتاری کودکان بیش فعال ارتباط دارد. سینگ (۲۰۱۰) در یک تحقیق تأثیر ویژگی‌های والدین را بر سلامت روانی نوجوانان مورد مطالعه قرار داد و نشان داد که ویژگی‌های والدین و سبک دلبستگی آنان به طور همزمان و طولی با سلامت روانی نوجوانان همبستگی دارد. مادرانی که از لحاظ سبک دلبستگی متعلق به طبقه ایمن هستند، در مقایسه با مادران نایمن نسبت به علائم کودکان خود حساس‌ترند و کودکان شادتری دارند (جرج و سولومون، ۱۹۹۹).

فرضیه دوم: بین سبک دلبستگی مادران و مشکلات رفتاری کودکان بیش فعال آنان رابطه وجود دارد. در این پژوهش همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک دلبستگی ایمن مادران با مشکلات انزوای/افسردگی کودکان بیش فعال به صورت منفی و معنی دار ارتباط دارد و سبک‌های دلبستگی ترسو، بی‌اعتنا و نگران مادران با اختلالات رفتاری کودکان بیش فعال به صورت مثبت و معنی دار ارتباط دارد و بر این اساس فرضیه دوم تأیید شد. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات بهادری و همکاران (۱۳۹۱)، همسو است. در نهایت، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک دلبستگی ایمن به صورت منفی و معنی دار با مشکلات نادیده گرفتن قواعد، رفتار پرخاشگرانه و مشکلات رفتاری-اجتماعی کودکان بیش فعال ارتباط دارد و سبک‌های دلبستگی ترسو، بی‌اعتنا و نگران به صورت مثبت و معنی دار با اختلالات رفتاری کودکان بیش فعال ارتباط دارد. نتایج تحقیقات خانجانی و همکاران (۱۳۹۰) و اله جگر دیو همکاران (۲۰۱۵) نیز نشان داد که چون مشکلات دلبستگی والد-کودک تا حد بسیار زیادی در قالب مسائل عاطفی و رفتاری در کودکان نمود می‌کنند، این نتایج می‌تواند حاکی از ارتباط میان سبک دلبستگی مادر با میزان مشکلات عاطفی کودکان باشند. ناسازگاری کودکان و نوجوانان، ناشی از شکست در دوران کودکی و در خلال دوران دلبستگی مادر است و سبک دلبستگی نایمن مادر باعث رفتار پرخاشگرانه در کودک می‌شود (خانجانی، ۱۳۹۰). رفتار مادرانه و واکنش‌های مادر، تحت تأثیر سبک دلبستگی وی قرار می‌گیرد. بنابراین، بررسی رابطه سبک دلبستگی مادر با اختلال‌های رفتاری کودک موضوع بسیار مهم است. به این ترتیب، سبک دلبستگی مادر بر آشفته‌گی هیجان‌های کودک و بی‌توجهی آنان به قانون تأثیر می‌گذارد (آدام، گونار، تاناکا، ۲۰۰۴).

از آنجایی که روابط والد-کودک تحت تأثیر محیط آن‌ها قرار می‌گیرد، نقش عوامل محیطی به ویژه حمایت‌های پدر از مادر و فرزند می‌تواند تأثیر بسزایی بر نحوه مقابله مادر با مشکلات رفتاری کودک داشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی به نقش پدران هم توجه شود. همانطور که سبک فرزندپروری نادرست مادر می‌تواند موجب مشکلات رفتاری کودک شود، مشکلات رفتاری کودک هم موجب خستگی و خشم مادر و سهل‌انگاری یا خشونت در شیوه تربیتی‌اش می‌شود، از این رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی تأثیر رفتار کودک بر رفتار والدین نیز در نظر گرفته شود.

منابع

- بشرپور، سجاد. (۱۳۹۴). صفات شخصیت، نظریه و آزمون، اردبیل: نشر ساوالان.
- بشرپور، سجاد؛ مهاجری اول، نسترن؛ عنبری، فریما. (۱۳۹۵). بررسی روایی و پایایی پرسشنامه فرزندپروری ذهن آگاهانه (IEM-P) و (IM-P). مقاله منتشر نشده.
- بهادری، محمدحسین؛ جهان‌بخش، مرضیه؛ امیری، شعله؛ انیسی، جعفر. (۱۳۹۱). پیش‌بینی علائم افسردگی در دختران از طریق سبک دلبستگی مادران. مجله علوم رفتاری، ۶(۴)، ۳۴۵-۳۳۹.
- خانجانی، زینب؛ هاشمی، تورج؛ الهام‌فر، فریبا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با نشانه‌های افسردگی نوجوانان. فصلنامه علوم تربیتی، ۴(۱۴)، ۹۱-۱۰۶.
- دادستان، پریرخ؛ احمدی ازغندی، علی؛ پوراعتقاد، حمیدرضا. (۱۳۸۵). تنیدگی والدینی و سلامت عمومی، پژوهشی در رابطه با تنیدگی حاصل از والدگری. فصلنامه روانشناسان ایرانی، ۷، ۱۸۴-۱۷۱.
- شهائیان، آمنه؛ شهیم، سیما؛ بشاش، لعیبا؛ یوسفی، فریده. (۱۳۸۶). هنجاریابی، تحلیل عاملی و پایایی فرم کوتاه ویژه والدین مقیاس درجه‌بندی کانرز برای کودکان ۶ تا ۱۱ ساله در شهر شیراز. مطالعات روانشناختی، ۳(۳)، ۹۷-۱۲۰.
- غباری، بناب؛ حجازی، مسعود. (۱۳۸۶). رابطه جرئت‌ورزی و عزت‌نفس با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی، مجله کودکان استثنایی، ۷(۳)، ۳۱۶-۲۹۹.
- منصور، محمود؛ دادستان، پریرخ. (۱۳۸۱). روانشناسی ژنتیک ۲ از روان تحلیل‌گری تا رفتارشناسی، تهران: انتشارات جوانه رشد.
- مومنی، فرشته؛ امیری، شعله. (۱۳۸۶). بررسی رابطه میان انواع سبک‌های فرزندپروری والدین و بروز علائم بی‌اشتهایی روانی در دختران نوجوان ۱۴ تا ۱۷ ساله شهر اصفهان. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۲(۳)، ۷۷۵-۷۸۹.
- مینایی، اصغر. (۱۳۸۵). انطباق و هنجاریابی سیاهه رفتاری کودک آخنباخ، پرسشنامه خودسنجی و فرم گزارش معلم. مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ۶(۱)، ۵۵۸-۵۲۹.
- Adam, K.A., Gunnar, M.R., Tanaka, A. (2004). Adult attachment, parent emotion, and observed parenting behavior: Mediator and Moderator models. *Child Development*, 75(1): 110-122.
- Alajgerdi, M., Sarabian, S., Asgharipour, N. (2015). Comparative study of attachment styles in mothers of 8 to 12 year old children with and without behavioral problems. *Fundamentals of Mental Health*, 17(1): 19-25.
- Bogles, S.M., Lehtonen, A., Restifo, K. (2010). Mindful parenting in mental health care. *Mindfulness*, 1, 107-120.
- Bogels, S.M., Restifo, K. (2014). *Mindful parenting: A guide for mental health practitioners*. New York: Springer.
- Campbell, S. (1994). Hard to manage pre-school boys: Externalizing, social competence, and family context at two-year follow-up. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 22, 147-166.
- De Bruin, E., Zijlstra, B., Geurtzen, N., van Zundert, R., van de Weijer-Bergsma, E., Hartman, E., et al. (2014). Mindful parenting assessed further: Psychometric properties of the Dutch version of the Interpersonal Mindfulness in Parenting Scale (IM-P). *Mindfulness*, 5(2), 200-212. <http://dx.doi.org/10.1007/s12671-012-0168-4>.
- Diaz, Y. (2005). Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children. Unpublished Master Thesis, University of Maryland, Maryland.
- Duncan, L.G. (2007). Assessment of mindful parenting among parents of early adolescents: De-

- velopment and validation of the Interpersonal Mindfulness in Parenting Scale. The Pennsylvania State University: Unpublished dissertation.
- Duncan, L.G., Coatsworth, J.D., Greenberg, M.T. (2009). A model of mindful parenting: Implications for parent-child relationships and prevention research. *Clinical child and family psychology review*, 12, 255-270, <http://dx.doi.org/10.1007/s10567-009-0046-3>.
 - Fogel, A. (2001). *Infancy: Infant, Family and Society*. West publishing company. Minnee polisst. Paul Newyork. Loaangeles. Sanfrancisco.
 - Frick, P.J. (1994). Family dysfunction and the disruptive behavior disorders: A review of empirical findings. In T.H. Ollendick and R.J. Prinz (Eds.), *Advances in Clinical Child Psychology* (pp.203-226). New York, NY: Plenum Press.
 - George, C., Solomon, J. (1999). The caregiving system: A behavioral systems approach to parenting. In J. Cassidy, P.R. Shaver (Eds), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp.833-856). New York: The Guilford Press.
 - Halliday, R., Rosenthal, J, H., Naylor, H., Callaway, e. (1976). Averaged evoked potential predictors of clinical improve in hyperactive children treated with methylphenidate: An initial study. *Psychophysiology*. 13(5), 429-440.
 - Hanson, R., Mendius, R. (2009). *Buddha's brain. The practical neuroscience of happiness, love and visdom*. Oakland: New Harbinger.
 - Heller, T.L., Baker, B.L., Henker, B., & Hinshaw, P. (1996). Externalizing behavior and cognitive functioning from pre-school to first grade: Stability and predictors. *Journal of Clinical Child Psychology*, 25, 376-387.
 - Hollenstein, T. (2004). Rigidity in parent-child interaction and the developmental of externalizing and internalizing early childhood. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 32, 595-607.
 - Jones, J., Cassidy, J., Shaver, P.R. (2015). Parents self-reported attachment styles: A review of links with parenting behaviors, emotions, and cognitions. *Personality and Social Psychology Review*, 19(1), 44-76. <http://dx.doi.org/1001177/1088868314541858>.
 - Johnston, C. (2012). Parenting in adults with attention-deficit/hyperactivity disorder (ADHD). *Clinical Psychology Review*, 32, 215-228.
 - Kabat-Zinn, J., Kabat-Zinn, M. (1997). *Everyday blessings: The inner work of mindful parenting*. New York: Hyperion.
 - Karreman, A., Haas, S., Tuijl, C., Aken, M., & Dekovic, M. (2009). Relation among temperament, parenting & problem behavior in young children. *Infant Behavior and Development*, 33,39-49
 - Katanin, S. (1997). Childhood temperament and mother's child rearing attitude. *European Journal of personality*, 11, 249-265.
 - Keng, S., Smoski, J. J., & Robins, C. J. (2011). Effects of mindfulness on psychological health: A review of empirical studies. *Clinical Psychology Review*. doi:10.1016/j.cpr.2011.04.006.
 - Kuyken, W., Byford, S., Taylor, R. S., Watkins, E., Holden, E., White, K., et al. (2008). Mindfulness-based cognitive therapy to prevent relapse in recurrent depression. *Journal of Consuling and Clinical Psychology*, 76, 966-978.
 - Mash, E.J., Barclays, R.E. (2008). *Child Psychopathology*. Translated by: Toozande-jani, H., Mashhad: Mashhad University of Medical Sciences.
 - Meredith, P., Ownsworth, T., Strong, J. (2008). A review of the evidence linking adult attachment theory and chronic: presenting a conceptual model. *Clinical Psychology Review*, 28(3), 407-429.
 - Moreira, H., Canavarro, M.C. (2015). The Portuguese version of the Interpersonal Mindfulness in Parenting Scale: A study with mothers and fathers from the general community. Unpublished manuscript.
 - Sadeh, A., Tikotzky, L., Scher, A. (2010). Parenting and infant sleep. *Sleep med rev*, 14(20), 89-96.

- Sadock, B., Sadock, V. (2007). *Synopsis of Psychiatry, Behavioral Sciences/ Clinical Psychiatry*, Kaplan & Sadock's. New York: Tenth Edition.
- Segal, Z.V., Williams, J.M.G., & Teasdale, J.D. (2002). *Mindfulness-based cognitive therapy for depression. A new approach to preventing relapse*. New York: The Guilford Press.
- Singh, N.N., Singh, A.N., Lancioni, G.E., Singh, J., Winton, A.S.W., Adkins, A.D. (2010). Mindfulness training for parents and their children with ADHD increases the childrens compliance. *Journal of Child and Family Studies*, 19, 157-166.
- Sung, V., Hisscock, H., Sciberras, E., Efron, D. (2008). Sleep problems in children with attention-deficit hyperactivity disorder. *Arch Pediatr Adolesc med*, 162(4), 336-342.
- True, M.N., Pisani, & Ljoumar, F., (2001). Infant-mother attachment among the dogon of Mail. *Deve*. 72(5): 66-145.
- Van de Weijer-Bergsma, E., Formsma, A.R., De Bruin, E. I., Bogles, S.M. (2011). The effectiveness of mindfulness training on behavioral problems and attentional functioning in adolescents with ADHD and parents. *Journal of Child and Family Studies*, 20, 171-181.
- Van der Oord, S., Bogels, S. M., & Peijnenburg, D. (2011). The effectiveness of mindfulness training for children with ADHD and mindful parenting for their parents. *Journal of Child and Family Studies*, 21, 139-147.
- Weaver, M.C., Shaw, D.S., Dishion, T.J., Wilson, M.N. (2008). Parenting saif-efficacy and problem behavior in children at high risk for early conduct problems: The mediating role of maternal depression, *Infant Behavior & Development*, 31, 594-605.



The Role of Mindful Parenting Style and Maternal Attachment Style in Predicting the Behavioral Disorders on ADHD Children

N. Mikaeili *
N. Mohajeri Aval **
N. Otared ***

Abstract

The aim of current study was to predict the behavioral disorders on ADHD children through mindful parenting style and maternal attachment style. The present study had a descriptive correlational design. The statistical population was all the mothers of elementary school children in Tehran, among them 60 subjects were selected as sample with purposive sampling and with implementation of Conner's questionnaire (1970) on children to diagnosis of ADHD on them. Then the Mindful Parenting Style (Duncan, 2007) and Attachment Style Questionnaire (Van Odenhaven, 2003) were completed by the mothers of these children. Multiple regression analysis of the data showed a negative significant difference between mindful parenting style and behavioral disorders such as anxiety/depression, isolation/depression, ignoring the rules, aggressive behavior, social problems on ADHD children ($p < 0.05$). Also there was negative significant difference between secure attachment style and behavioral disorders ($p < 0.05$).

Keywords: mindful parenting style, attachment style, behavioral disorders, ADHD.

* Associate Professor of Psychology, University of Mohaghegh Ardabili.

** PHD Student of Psychology, University of Mohaghegh Ardabili. (Corresponding Author, email: nastaranmohajeri@yahoo.com).

*** PHD Student of Psychology, University of Mohaghegh Ardabili.